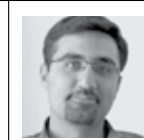


جامعه اخلاقه از شعار تا واقعیت



تدارک می‌بیند. جامعه‌ای را که از مفاهیم اساسی چون آزادی، عدالت، دموکراسی، حقوق بشر، حق تعیین سرنوشت، رفاه، امنیت، آرامش و... گریزان باشد، نمی‌توانیم اخلاقی بدانیم. تمام این موارد از جمله آرایه‌های زیست تکامل جویانه و تعالی بخش انسانی است و طبیعتاً برای تحقق اخلاق و خیر در جامعه به هیچ‌عنوان نمی‌توان بر استفاده از لوازم شر و ظلم اصرار ورزید. خروج از شعارها و نگاه‌های شعاری و به دور از واقعیت‌ها که خود همواره مانعی جدی و اساسی در توسعه اخلاقی جامعه است، باید بسیار مورد توجه و دقت نظر قرار گیرد. بشر سال‌هاست که عرصه عمل و درک واقعیت‌ها را بر تصورهای خیالی و عوام‌فریبی‌های پوشالی ترجیح داده است. یکی از نکته‌های مهم در خصوص جامعه اخلاقی، قابلیت سنجش و بررسی میزان شمول آن است. اینکه یک جامعه در مقایسه با جامعه دیگر در چه وضعیت و نسبت اخلاقی قرار دارد، امری نیست که نتوان آن را مورد واکاوی قرار داد. به هر میزان که مفاهیم اساسی چون آزادی، عدالت و... که ذکر شد در جامعه بیشتر تحقق یافته باشد، میزان فساد، تبهکاری و ظلم در جامعه کمتر نمود داشته باشد و همه افراد جامعه بتوانند امکان و فرصت رشد و پیشرفت را بیشتر مشاهده کنند، آن جامعه اخلاقی‌تر است. به همین دلیل امکان سنجش‌پذیری جامعه اخلاقی، امکان بررسی ادعاهای واهی و تهی از اعتبار وجود خواهد داشت. جامعه اخلاقی همان آرزوی دیرینه انسان‌های حق‌جو و ادیان حق‌محور بوده که تکامل انسان‌ها در ابعاد گوناگون مخصوصاً در حوزه اخلاق، درون‌مایه پیام‌ها و دعوت‌های آنان بوده است. همان‌گونه که صحبت شد، زیست متعالی انسان‌ها، نیازمند رعایت قوانین و اصول واقعی است؛ بنا بر این شناخت، مگر می‌شود جامعه‌ای اخلاقی شود، اما آزادی در آن جامعه به قهقرا

تحمیل یک اندیشه بر عموم مردم و سیطره آن بر تمام اندیشه‌های دیگر، از جمله خطراتی بوده که همواره بشر را تهدید می‌کرده است. اینکه اندیشه‌ای جلوه‌ای از آرزوها را ترسیم کند، اما مسیر حرکتی برای دستیابی به آن‌ها را مخالف با تمام قواعد و اصول زندگی اجتماعی تبیین کند، نه تنها دروغی بزرگ بوده که آن آرزوها هم قطعاً سراب و بلکه مرداب زیست انسانی بوده است.

چیزی که ما از آن در این شماره به‌عنوان جامعه ایدئولوژیک بیان خواهیم کرد، در واقع سلطه مطلق حاکمیت سخت و اندیشه‌ای یکه‌تاز و انحصارطلب در جامعه است که جای تحمیلی برای دیگر ایده‌ها و اندیشه‌ها باز نمی‌گذارد و هیچ اولویتی بالاتر از بقای خود را در نظر ندارد. گرچه جامعه ایدئولوژیک، آنچه برای مردم شعار می‌دهد، بهشتی از وفور نعمت‌ها و غلیان سجایای اخلاقی و جوشش و حرکت انسانی است؛ اما در عمل چون بر خلاف ذات و اصول انسانی حرکت می‌کنند، خود به بدترین دشمن انسان و زیست انسانی مبدل می‌شوند.

اما جامعه اخلاقی، همان جامعه‌ای است که علاوه بر رعایت اصول و قواعد زیست بشری، با ذات تکامل جوی بشری هم هم‌خوان و همراه هست. جامعه اخلاقی انسان‌ها را همان‌گونه که هستند و در قامت واقعیت‌ها می‌شناسد و نیازهای آنان را مبتنی بر عقل، علم و شناخت دقیق انسان پاسخ می‌دهد. جامعه اخلاقی فرصتی است که حرمت انسان بودن را پاس می‌دارد و شرافت انسانی را شکوفا می‌سازد. در چنین جامعه‌ای نه تنها علیه جهان هستی و عصیان علیه مواهب آن، تحریمی صورت نمی‌گیرد که بسترهای لازم برای بهره‌مندی عزت‌مدار از آن‌ها را نیز

از گذشته تاکنون، همواره انسان در زندگی جمعی خود، آرزوها و آمالی را در سر می‌پروراند است که جامعه‌اش، بهترین وضعیت ممکن زندگی مطلوب را برایش رقم زند. او تمام این آمالش را در آرمان‌شهر متصور می‌دیده است.

آرمان‌شهر او همان جایی است که بهشت زمینی را بازسازی می‌کند. هم انسان‌ها را به زندگی با آسایش و آرامش رهنمون می‌سازد و هم مسیر تعالی آن‌ها را تسهیل می‌کند. در واقع آرمان‌شهر، افقی است که از رنج‌ها و آلام انسان می‌کاهد و بر شادی و فرحش می‌افزاید. اما مسیر حرکت انسان‌ها در طول تاریخ به گونه‌ای بوده است که به سادگی نمی‌توانند به این آرزوی دیرینه، لباس تحقق بخشند.

بر اساس این سیر تاریخی و تجربیات زندگی جمعی بشر، این نکته آشکارا خود را نشان داده است که جامعه از قواعد و اصولی پیروی می‌کند که چنانچه رعایت نشود، سبب بسیاری از جنگ‌ها، نابسامانی‌ها، فروپاشیدگی‌ها، شرارت‌ها و رنج‌ها می‌شود. در جامعه انسانی نمی‌توان بی‌توجه به کشف این اصول، تحلیل آن و اجرای صحیح این موارد، زندگی مناسبی را برای همه افراد جامعه، نوید داد.

اما اختلاف در ترسیم این قواعد و قوانین، خود سبب بروز بسیاری از نزاع‌ها و جنگ‌ها شده است. اینکه کدام اندیشه می‌تواند آرمان‌شهر را ایجاد کند، تاکنون محل بروز اختلاف‌ها بوده است.

تحمیل یک اندیشه بر عموم مردم و سیطره آن بر تمام اندیشه‌های دیگر، از جمله خطراتی بوده که همواره بشر را تهدید می‌کرده است

کار علم پی بردن و تحلیل این عوامل است. آری تلاش کرده‌ایم در این شماره با نگاهی عبرت‌گونه به جامعه ایدئولوژیک، درس‌ها و تجربه‌های دردناک و تأسف بار آن، جامعه اخلاقی را تعریف کنیم و از راه رسیدن به آن، صحبت کنیم. این ویژه‌نامه فرصتی شد که در رابطه با چیستی اخلاق، مدل‌های نوینی که می‌توانند جامعه اخلاقی را معنا کنند، اعتبار بخشند و زمینه را برای ایجاد آن فراهم کنند، به ارائه بحث‌ها و تئوری‌های مهمی در حوزه‌های فلسفی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، دین‌شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد و... پردازیم.

رفته باشد، عدالت و مخصوصاً عدالت اجتماعی رخت بر بسته باشد، افراد جامعه از حضور و مشارکت و ایفای نقش خود سرباززند یا واهمه داشته باشند، سیاست منجلاب اخلاق شده باشد، حقوق افراد پایمال شود، محیط‌زیست رو به نابودی رفته باشد، آرمان‌ها بی‌رنگ و سنجایای اخلاقی مدموم شده باشند؟ همه این‌ها و بسیاری از موارد مشابه دیگر نشان‌دهنده آن است که مدیریت جامعه جای شعرهای رنگارنگ و فریبنده نیست. زندگی جمعی، همانند سایر عناصر این جهان هستی تابع علت‌ها و عوامل است و

